



صلح عرفانی از نگاه ابن عربی؛ عشق، وحدت وجود و الهیات رحمانی

استاد دانشگاه آزاد اسلامی در نشست بررسی کتاب «صلح عرفانی» تأکید کرد اندیشه ابن عربی در هستی‌شناسی عشق، تأثیری بی‌بدیل بر عرفان ایرانی و فلسفه معاصر داشته است...

استاد دانشگاه آزاد اسلامی در نشست بررسی کتاب «صلح عرفانی» تأکید کرد اندیشه ابن عربی در هستی‌شناسی عشق، تأثیری بی‌بدیل بر عرفان ایرانی و فلسفه معاصر داشته است و وحدت وجود، عشق و رحمت سه محور اصلی اندیشه او در شکل‌گیری صلح عرفانی هستند. به گفته اکرمی، کتاب مورد بررسی با نگاهی میان رشته‌ای، رابطه عرفان و صلح اجتماعی را بررسی کرده و نقدهای درون سنتی نویسنده بر غنای اثر افزوده است.

موسی اکرمی

به گزارش ایکن، موسی اکرمی، استاد دانشگاه آزاد اسلامی، شامگاه ۱۸ آبان ماه در نشست علمی «نقد و بررسی کتاب صلح عرفانی با تأکید بر آرای ابن عربی در الهیات رحمانی؛ وحدت وجود و عشق» گفت: سنت فلسفی ابن عربی تأثیر عمیقی بر بخش زیادی از عرفان ایرانی داشته است.

وی افزود: ابن عربی نگاه ویژه‌ای به هستی‌شناسی عشق دارد که سراسر هستی را در بر می‌گیرد و تمامی فیلسوفان و عرفا پس از او در بحث عشق، متأثر از دیدگاه‌های او هستند؛ بدون شک او در هستی‌شناسی عشق سرآمد است.

اکرمی با اشاره به کتاب خود با عنوان «هستی‌شناسی عشق از افلاطون تا ملاصدرا» بیان کرد که پس از ابن عربی، تمامی کسانی که در فلسفه و عرفان به موضوع عشق پرداخته‌اند، از او تأثیر گرفته‌اند و در عظمت او تردیدی نیست.

وی افزود: امسال بحث بنیادهای هستی‌شناختی و روش‌شناختی مکتب ایرانی صلح مورد توجه قرار خواهد گرفت و همایشی نیز در این زمینه برگزار خواهد شد. کتاب مورد بررسی جایگاه قابل توجهی در مکتب ایرانی صلح و صلح عرفانی دارد. فهرست کتاب شامل شش مقاله است که هسته ارزشمندی برای چاپ بعدی محسوب می‌شود، هرچند دارای نقایصی است و نیاز به ساختاردهی بهتر دارد.

اکرمی تصریح کرد: پیش‌گفتار کتاب نشان‌دهنده صداقت و رویکرد تحلیلی نویسنده، به ویژه در بحث جایگاه زن در عرفان است و مشخص می‌کند که اثر صرفاً ستایش گر سنت فلسفی و عرفانی نیست، بلکه رویکرد پژوهشی و تحقیقی دارد.

استاد دانشگاه تهران اظهار کرد: نویسنده به ریشه‌های تاریخی و اجتماعی صلح از منظر عرفانی و سیاسی پرداخته است و این نگاه میان رشته‌ای و بومی نگر از نقاط قوت کتاب است.

اکرمی تأکید کرد در چاپ بعدی لازم است عنوان «صلح عرفانی» دقیق‌تر تعریف شود و بر اساس آن به پرسش‌هایی همچون «آرامش درونی در پرتو وحدت وجود» یا «نظام اخلاقی مبتنی بر عشق» پرداخته شود.

وی با اشاره به رویکرد کتاب گفت: توصیف در کتاب غالب بر تحلیل فلسفی است، در حالی که در چارچوب فلسفه صلح و عرفان باید پیوند میان صلح و معرفت عرفانی به شکل پررنگ‌تری مطرح شود. برای مثال می‌توان پرسید آیا صلح عرفانی نتیجه تجربه فنا است و اگر فنا در نظر ابن عربی به معنای تضاد هستی و انسان است، پس صلح عرفانی چگونه در بستر اجتماع محقق می‌شود؟

مقایسه عرفان مدرن و سنتی

وی افزود: نویسنده مطالب ارزشمندی را به شکل فشرده بیان کرده، اما نیاز به انسجام و ارتباط منطقی بیشتری دارد. بخش‌هایی که به انجمن صلح، عرفان کلاسیک، فلسفه غرب و مقایسه تاریخی پرداخته‌اند، باید در بستر فرهنگی ایران بازبینی شوند. نگاه به عرفان مدرن و پست مدرن نیز مهم است؛ نویسنده به طور ضمنی برخی برداشتهای الحادی از عرفان مدرن را نقد کرده، هرچند همه عرفان‌های مدرن الزاماً الحادی نیستند.

اکرمی درباره رابطه عرفان و صلح اجتماعی بیان کرد: نویسنده معتقد است عارفان کمتر به صلح اجتماعی پرداخته اند. این پرسش مطرح است که آیا عرفان از سیاست فاصله دارد یا این مسئله رویکرد عمده عارفان است؟ همچنین نثر کتاب شتاب زده است و توجه کافی به ویرایش و دستور زبان فارسی نشده است.

نقاط قوت مقالات

استاد دانشگاه آزاد اسلامی گفت: مقالات کتاب جذاب و زنده هستند و نسبت اسلام با خشونت و رحمت را بررسی می کنند. نویسنده با ارجاع به دو قرائت مدرن انتقادی و نظریات سروش، دغدغه سیاسی و اجتماعی را در کنار تحلیل الهیاتی ارائه کرده است که از نقاط قوت اثر است.

وی افزود: نقد سنت های خودی به نفع آن هاست و بر غنای علمی می افزاید. نویسنده با بررسی فصوص ابن عربی نشان داده است که می توان قرائت رحمانی از الهیات ارائه کرد. عقل در عرفان به عنوان مهم ترین داور ارزیابی شده و مکاشفات صرفاً تقدیسی نیست، بلکه عقل مسیر مستقیمی در پیوند عرفان و نیاز اجتماعی ایجاد می کند.

اکرمی ادامه داد: اثر مبتنی بر خداشناسی، فرجام شناسی و انسان شناسی است. نقل قول ها از فصوص، پژوهش مستند ایجاد کرده و مقایسه فلسفه ابن عربی با فیلسوفان مدرن مانند هابز، از نوآوری های مقاله است. انسان ابن عربی با رحمت و تجلی الهی پیوند دارد، در حالی که انسان هابز ماهیت مادی دارد.

انتقاد درون سنتی و توصیه ها

وی تصریح کرد: نقد درون سنتی، مانند نقدهای سیدحیدر آملی، از نقاط قوت کتاب است و نشان دهنده نگاه مسئولانه به عرفان است. با این حال تعریف دقیق از رحمت و الهیات رحمانی در کتاب مطرح نشده است. در مقدمه تفاوت خشونت و رحمت بیان شده، اما نیاز به تبیین دقیق تر است. دفاع از چهره رحمانی اسلام باید مستدل و فاقد حالت توجیهی باشد.

اکرمی افزود: سه خاستگاه اصلی صلح در اندیشه ابن عربی عبارتند از: رحمت، عشق و وحدت وجود که در کتاب مورد توجه قرار گرفته اند. نویسنده عمدتاً بر محور وحدت وجود تأکید کرده که روش تحلیلی را تقویت می کند. ارجاعات مناسب به فتوحات، فصوص، قیصری و کربن نشان دهنده اشراف نویسنده به سنت فکری و اسلامی است.

وی در پایان گفت: رویکرد تطبیقی، مقایسه ای و میان فرهنگی بین سنت اسلامی و غربی، بحث افقی و جهانی اثر را تقویت کرده و عرفان تطبیقی را پیش می برد. ادعای اصلی کتاب که صلح، میوه وحدت وجود است، از نظر فلسفی قابل استناد است. البته مقصود فروکاستن عرفان به فلسفه نیست، بلکه فلسفه به مثابه دانش مرتبه دوم و فراعرفانی مطرح شده است.